

بررسی اثرات متقابل رشد اقتصادی و شادی در چارچوب فرضیه نفرین منابع و معمای استرلین: رویکرد پانل معادلات همزمان پویا

هانیه صداقت کالمرزی^۱، شهرام فتاحی^۲، کیومرث سهیلی^۳

۱. دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶)

Investigating the Interaction Effects of Economic Growth and Happiness in Framework of the Resource Curse Hypothesis and Easterlin Paradox: Dynamic Simultaneous Equations Panel Approach

Haniyeh Sedaghat Kalmarzi¹, *Shahram Fattahi², Kiomars Sohaili³

1. Ph.D. in Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, University of Razi., Kermanshah, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Economics and Entrepreneurship, University of Razi., Kermanshah, Iran

3. Associate Professor, Faculty of Economics and Entrepreneurship, University of Razi., Kermanshah, Iran

(Received: 12/June/2020

Accepted: 27/July/2020)

Original Article

مقاله پژوهشی

Abstract:

In this article, the interaction effects of growth and happiness in the framework of a dynamic simultaneous equations panel data model have been considered in the OPEC countries during the period of 2005–2016. Also, according to the resource curse hypothesis, the threshold effects of oil rent on both economic growth and happiness have been tested. The estimation results have indicated that the first lag of happiness has had an insignificant positive impact on economic growth but the first lag of economic growth has had a significant negative impact on happiness. In other words, it can be argued that the benefits of economic growth in the oil oriented countries under this study are not uniformly distributed across all parts of society. Also, in the framework of the mentioned model, the effect of oil rent on happiness and economic growth has been threshold. In other words, before the threshold of 26.25% of the ratio of oil rents to GDP, the oil rent had a positive effect on economic growth, but after the threshold, it had a negative effect on economic growth, which indicates the phenomenon of resource curse in OPEC countries. A similar result has been obtained on the effect of oil rent on happiness, so that before the threshold of 26.92% of the ratio of oil rent to GDP, oil rent has had a positive and significant effect on happiness, but after exceeding this threshold, oil rents have had a negative effect on happiness, which could reflect the existence of the Easterlin paradox in the countries.

Keywords: Economic Growth, Happiness, Oil Rent, Dynamic Simultaneous Equations Panel Model, OPEC.

JEL: O47, I31, C33.

چکیده:

در این مقاله اثرات متقابل رشد و شادی بر یکدیگر در قالب مدل پانل معادلات همزمان پویا در کشورهای اوپک در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۶ مدلسازی شده است. همچنین اثرات آستانه‌ای رانت نفت بر هر دو متغیر رشد اقتصادی و شادی در چارچوب فرضیه نفرین منابع آزمون شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داده است وقفه اول شادی تأثیر مثبت اما غیرمعنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است اما وقفه اول رشد اقتصادی تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادی داشته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که عوائد حاصل از رشد اقتصادی در جوامع نفتی مورد بررسی به صورت یکسانی در جامعه توزیع نشده است. همچنین در چارچوب مدل مذکور، تأثیر رانت نفت بر شادی و رشد اقتصادی به صورت آستانه‌ای بوده است. به عبارت دیگر رانت نفت تا قبل از آستانه ۲۶/۲۵٪ از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، اثری مثبت بر رشد اقتصادی داشته اما پس از عبور از حد آستانه مذکور تأثیری منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته است که حاکی از پدیده نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت اوپک است. نتیجه مشابهی نیز برای اثر رانت نفت بر شادی حاصل شده است به طوری که تا قبل از آستانه ۲۶/۹۲٪ از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، رانت نفت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر شادی داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادی برجای گذاشته است که می‌تواند منعکس کننده وجود پارادوکس استرلین در کشورهای اوپک باشد.

واژه‌های کلیدی: رشد اقتصادی، شادی، رانت نفت، مدل پانل معادلات

همزمان پویا، کشورهای عضو اوپک

طبقه‌بندی JEL: O47, I31, C33.

۱- مقدمه

دو متغیر مهمی که در هر کشور، هم برای سیاست‌گذاران و هم مردم آن جامعه اهمیت دارد و روی سطوح مختلف زندگی آنان اثرگذار می‌باشد یکی شادی^۱ مردم است و دیگری رشد اقتصادی است. اقتصاد شادکامی^۲ حوزه نسبتاً جدیدی در اقتصاد است که در سال‌های اخیر جایگاه مهمی در معادلات سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها پیدا کرده است. اگرچه استفاده از رویکرد اقتصاد شادکامی سابقه چندانی ندارد، امروزه بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر اهمیت این حوزه در سیاست‌گذاری کلان تأکید دارند (چراغی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹). اگر هدف و غایت نهایی فرایند توسعه، خلق جامعه‌ای شاد و بانشاط باشد در این صورت در این باره باید تأمل کرد و ریشه‌های شاد نبودن جوامع را به رغم پیشرفت‌های حیرت‌انگیز فناوریانه دست انسان شناسایی کرد. از آنجایی که مبتنی بر برخی مطالعات خارجی همچون کنی^۳ (۱۹۹۹) و مطالعات داخلی همچون فتاحی و محمدی‌راد (۱۳۹۲) افزایش شادی در جامعه سبب افزایش سطح بهره‌وری و در نتیجه رشد اقتصادی و رفاه بالاتر می‌شود لذا ضرورت بررسی عوامل اثرگذاری که باعث افزایش شادی می‌شوند احساس می‌شود.

مسئله‌ی دیگر رشد اقتصادی است که ملموس‌تر و عینی‌تر بوده و هم بر شادی جامعه و هم روند توسعه‌ی اقتصادی اثرگذار است. چرا که همان‌طور که می‌دانیم توسعه در یک معنا به رشد اقتصادی بلندمدت و مداوم تعبیر می‌شود (خانزادی و حیدریان، ۱۳۹۸: ۱۱۰). بنابراین یک مسئله مهم در کشورهای نفتی این است که بدانیم نفت و درآمدهای نفتی چه تأثیری روی این دو متغیر مهم (شادی و رشد اقتصادی) گذاشته است. اگرچه مطالعات گسترده‌ای در حوزه نفرین منابع صورت گرفته است اما نکته قابل توجه در مطالعات پیشین از یک منظر این است که تأثیر نفرین منابع بر روی شادی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در مطالعات پیشین عمدتاً اثرات یک‌طرفه رشد اقتصادی بر شادی یا شادی بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است در حالی که رشد اقتصادی و شادی متقابلاً روی یکدیگر اثرگذار هستند و تمایز اصلی مطالعه حاضر نسبت به مطالعات پیشین در نظر گرفتن اثرات متقابل رشد اقتصادی و شادی روی یکدیگر است تا بتوان به

نتایج دقیق‌تری نسبت به مطالعات قبلی دست پیدا کرد. از طرف دیگر رانت نفت بر هر دو متغیر رشد اقتصادی و شادی اثرگذار است و لازم است این متغیر نیز در مدلسازی اثرات متقابل رشد و شادی در کشورهای وابسته به درآمد نفت نیز لحاظ شود که این موضوع نیز نوآوری دیگر مقاله حاضر است که قبلاً به‌صورت همزمان اثرات رانت نفت بر دو متغیر رشد و شادی دیده نشده است بلکه در مطالعات پیشین تنها اثرات تک معادله‌ای رانت نفت بر رشد اقتصادی بحث شده است. همچنین نکته مهم در مدلسازی اثرات رانت نفت بر شادی و رشد اقتصادی بررسی اثرات غیرخطی و آستانه‌ای رانت نفت بر شادی و رشد اقتصادی است. لحاظ نمودن فرضیه اثرات غیرخطی رانت نفت بر رشد اقتصادی به دلیل مطالعات پیشین همچون مهرآرا و مکی‌نیری (۱۳۸۸) در این حوزه است که تأثیر رانت نفت بر رشد اقتصادی را به‌صورت غیرخطی بدست آورده‌اند و در نظر گرفتن تصریح غیرخطی رانت نفت بر شادی نیز به دلیل بررسی صحت فرضیه پارادوکس استرلین در کشورهای صادرکننده نفت لحاظ شده است.

بنابراین پژوهش حاضر ماهیت ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و شادی با لحاظ تأثیر غیرخطی رانت نفت بر هر دو متغیر مذکور را بررسی می‌کند که می‌تواند برای درک بهتر از عوامل اثرگذار بر شادی در جامعه و بهبود رشد اقتصادی مورد استفاده‌ی سیاست‌گذاران قرار گیرد.

مقاله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. در بخش بعدی ادبیات نظری و تجربی ارتباط متقابل رشد اقتصادی و شادی با تأکید بر پارادوکس استرلین بررسی شده است و در بخش سوم روش شناسی پژوهش بحث شده است. بخش چهارم به تفسیر نتایج برآورد مدل اختصاص دارد و نهایتاً در بخش پنجم بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- ادبیات موضوع اثرات رشد اقتصادی بر شادی

۲-۱-۱- معمای استرلین

استرلین^۴ بر رابطه مثبت بین درآمد (رشد اقتصادی) و شادی ابهام وارد می‌کند به طوری که وی بیان می‌کند که اگرچه در کوتاه مدت رابطه درآمد (رشد) با شادی مثبت است اما در بلندمدت با افزایش درآمد و رشد اقتصادی، شادی تغییرچندانی

1. Happiness
2. Economics of Happiness
3. Kenny (1999)

4. Easterlin (1974)

مردم احساس کنند که تنها گروه کوچکی از افراد جامعه به طور ناعادلانه از رشد ثروت ملی سود برده‌اند (اویشی و همکاران^۲، ۲۰۱۱: ۱۰۹۵) از طرف دیگر هنگامی که نابرابری افزایش می‌یابد مردم بیشتر به جایگاه درآمد نسبی خود توجه دارند تا به جایگاه درآمد مطلق خود و دائماً خود را با دیگران مقایسه می‌کنند (شوارتز و همکاران^۳، ۲۰۰۲: ۱۱۷۸). این موضوع در نظریه مصرف دوزنبیری نیز مورد توجه قرار گرفته است. اگر هدف جامعه افزایش احساس بهزیستی و شادی افراد باشد، رشد اقتصادی به خودی خود این کار را انجام نمی‌دهد. عوامل مهم دیگری همانند اشتغال کامل و گسترده، امنیت اجتماعی و سیاسی به طور ویژه باعث افزایش شادی می‌شود (استرلین، ۲۰۱۳: ۲). استرلین (۲۰۱۳) نشان داد که اشتغال کامل و سیاست‌های تقویت‌کننده امنیت باعث افزایش شادی می‌شود. از طرفی وی در این مطالعه وقتی کشورهای اروپایی را با شرایط مشابه اقتصاد کلان اما با شرایط رفاهی و امنیتی متفاوت مقایسه می‌کند درمی‌یابد که کشورهایی که سیاست‌های رفاهی سخاوتمندانه تری دارند، شادتر هستند. همچنین دیده شد که در کشورهای در حال گذار، کنار گذاشتن سیاست‌های اشتغال کامل و تقویت‌کننده امنیت، تأثیر منفی بر روی شادی دارند.

این نتیجه‌گیری‌ها به این معنا نیست که رشد اقتصادی به عنوان هدف سیاست‌گذار کنار گذاشته شود بلکه رشد اقتصادی باید به اشتغال بیشتر کمک کند و سیاست‌های مربوط به افزایش امنیت سیاسی و اجتماعی را فراهم کند اما استرلین معتقد است که تنها رشد اقتصادی به عنوان یک درمان، تنها راه‌حل برای افزایش شادی نیست. بنابراین تنها هدف قرار دادن افزایش رشد منجر به تمرکز بر بنگاهها و بهره‌وری آنها می‌شود در حالی که اقدامات مربوط به افزایش شادی مستقیماً به زندگی مردم و نگرانی‌های شخصی افراد ارتباط پیدا می‌کند (استرلین، ۲۰۱۳: ۷). دغدغه سیاست‌گذاران از افزایش تولید ناخالص داخلی اغلب منجر به بی‌توجهی به افرادی می‌شود که شادی و رفاه آنها باید اصلی‌ترین هدف سیاست‌ها باشد (استرلین، ۲۰۱۳: ۱۳).

۲-۲- ادبیات موضوع اثرات شادی بر رشد اقتصادی

کمی در مقاله‌ای این پرسش را مطرح می‌کند که آیا رشد باعث

نکرده است و از این منظر رابطه درآمد و شادی در بلندمدت بیشتر شبیه یک رابطه U معکوس است تا یک رابطه مستقیم صعودی و در نتیجه ارتباط درآمد (رشد) با شادی تبدیل به یک معما یا پارادوکس می‌شود که تحت عنوان پارادوکس استرلین در ادبیات نظری مشهور شده است (استرلین، ۱۹۷۴: ۸۹).

استرلین در سال ۱۹۹۵ این پرسش را مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا افزایش درآمد ملی باعث افزایش شادی همه خواهد شد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال وی بیان می‌کند که در یک کشور در یک زمان معین و در مطالعه‌ای مقطعی، کسانی که درآمد بالاتری دارند به طور متوسط خوشحال‌تر هستند اما افزایش درآمد ملی باعث افزایش شادی همگان نخواهد شد زیرا همزمان با افزایش درآمد واقعی جامعه، انتظارات افراد از شادی نیز در طول زمان افزایش می‌یابد (استرلین، ۱۹۹۵: ۳۵).

۲-۱-۲- چرایی وجود معمای استرلین

یک پاسخ احتمالی در چرایی وجود معمای استرلین آن است که در حالی که رشد اقتصادی، شرایط زندگی را بهبود می‌بخشد اما در عین حال باعث افزایش استانداردهای زندگی مردم شده و باعث می‌شود مردم شرایط زندگی خود را به طور مداوم مقایسه و قضاوت کنند (کلارک و همکاران^۱، ۲۰۰۸: ۹۵). این موضوع در کشورهای در حال توسعه نیز برقرار است. بنابراین مقایسه مداوم وضعیت مالی خود با دیگران همان چیزی است که باعث می‌شود با بهبود در شرایط رفاهی زندگی همچنان شادی مردم افزایش نیابد.

دلیل احتمالی دیگر در پاسخ به معمای استرلین وجود نابرابری درآمدی است که توضیح می‌دهد چرا رشد اقتصادی همیشه به افزایش شادی منجر نمی‌شود. به عبارت دیگر توزیع یکنواخت‌تر رشد ممکن است پیش شرط افزایش شادی در کشورها باشد. زیرا وقتی رشد اقتصادی به طور مساوی بین جمعیت توزیع شود، حس برابری ناشی از آن می‌تواند به ارتقای سطح شادی کمک نماید اما اگر رشد اقتصادی تنها در بخش کوچکی از جمعیت متمرکز شود و به صورت نابرابر بین دهک‌های مختلف توزیع شود به احتمال زیاد پارادوکس استرلین ظاهر شده و رشد با شادی همراه نخواهد بود. زیرا وقتی نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد، همگان منفعت رشد اقتصادی را احساس نمی‌کنند و در عوض ممکن است اکثریت

2. Oishi et al. (2011)
3. Schwartz et al. (2002)

1. Clark et al. (2008)

افزایش می‌یابد. (اسوآلد و همکاران^۲، ۲۰۱۵: ۷۹۰ و فتاحی و محمدی‌راد، ۱۳۹۲: ۲۵).

پیوند عمیق و رابطه آشکاری بین شادی و بهره‌وری وجود دارد. زیرا افراد شاد مهارت‌های خود را بهتر ارزیابی کرده و مثبت‌نگر هستند و بهتر تصمیم می‌گیرند. عزت نفس بالاتری داشته و خود را دوست دارند و به خود و دیگران احترام می‌گذارند. عقلایی رفتار کرده و به اخلاقیات خیلی توجه دارند. خوشبین هستند، موفق‌تر، سالم‌تر و شادتر از افراد بدبین هستند و کمتر بیمار می‌شوند. رویدادها را طوری پردازش و تفسیر می‌کنند که منجر به شادی بیشتر آنها می‌شود. با همکاران خود تعامل و همکاری بهتری دارند و از زندگی خانوادگی، شغلی و اجتماعی خود رضایت دارند. این افراد فرسودگی عاطفی کمتری داشته و کمتر اشتباه می‌کنند و احتمال اینکه شغل خود را ترک کنند کمتر است. مسئولیت‌پذیر و انتقادپذیرتر بوده و مشکلات را بهتر تحمل می‌کنند و خلاقیت و نوآوری بیشتری نیز دارند. افراد شاد سریع‌تر یاد می‌گیرند، پر انرژی بوده و به جای گله و شکایت از مشکلات، آنها را حل می‌کنند. بنابراین شادی باعث بهبود کارایی و بهره‌وری بیشتر می‌شود (اسوآلد و همکاران، ۲۰۱۵: ۸۱۰)

همچنین از آنجا که امروزه مردم بیشتر وقت خود را در بنگاه‌ها و سازمان‌ها سپری می‌کنند، اگر محیط کاری با نشاطی داشته باشند می‌توانند از مزایای ناشی از آن بهره ببرند. چرا که افراد با نشاط انگیزه ذاتی بیشتری برای کار کردن دارند که باعث افزایش بهره‌وری آنها می‌شود (اسوآلد^۳، ۱۹۹۷: ۱۸۱۹). برخی بنگاه‌ها از شادی برای افزایش جذب مشتری استفاده می‌کنند در واقع بنگاه‌ها باید فضای کسب و کار را به گونه‌ای ایجاد کنند که از خلاقیت و نوآوری کارکنان آنها حمایت شود و روابط اجتماعی ارزشمند را تقویت کنند (صداقت کالمرزی، ۱۳۹۸: ۵۰).

از طرف دیگر بهبود و گسترش سطح شادی در جامعه، تقاضا برای محصولات و خدمات شادی آفرین را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال در یک جامعه شاد تقاضا برای صنایعی چون گردشگری و بوم‌گردی، باشگاه‌های ورزشی، آموزشگاه‌ها و کنسرت‌های موسیقی، صنعت سینما و تئاتر و مواردی از این قبیل افزایش می‌یابد و در نتیجه در پاسخ به اضافه تقاضای ایجاد شده برای این صنایع، تولیدات این خدمات و کالاها

شادی می‌شود یا شادی باعث رشد می‌شود؟ در نتیجه با این پرسش وی رابطه علی از رشد به شادی را به چالش می‌کشد و رابطه متقابل رشد و شادی بر یکدیگر را مطرح می‌کند و به نوعی علیت دوطرفه بین رشد و شادی را مطرح می‌کند.

در بیشتر ادبیات مربوط به رشد اقتصادی مطرح می‌شود که هرچه درآمد بیشتر شود منجر به سودآوری بیشتر می‌شود و اگر اقتصاد رشد کند کالاهایی که در اقتصاد تولید می‌شوند باعث بهبود شرایط زندگی شده و شرایط بهبود یافته در یک منحنی بی‌تفاوتی بالاتر نسبت به قبل از رشد قرار می‌گیرد (کنی، ۱۹۹۹: ۴). اسمیت و کلارک^۱ (۱۹۸۲) بیان می‌کنند که به نظر می‌رسد شادی هدف اصلی علم اقتصاد بوده باشد و مطرح می‌کنند این شادی توسط ثروت ملل مورد نظر آدام اسمیت بیشتر حاصل می‌شود به طوری که کالاها و خدمات بیشتر، انتخاب‌های بیشتر را برای افراد فراهم کرده و در نتیجه سودمندی بیشتر و رضایت خاطر و شادی بیشتری را برای فرد به وجود می‌آورد.

کنی با استفاده از داده‌های نظرسنجی کشورهای عضو OECD طی دوره ۱۹۸۹-۱۹۵۲ استدلال می‌کند که اگر بین رشد و شادی ارتباط وجود داشته باشد به نظر می‌رسد واقعاً ارتباط از شادی به رشد اقتصادی است و نه برعکس. وی بیان می‌کند برای پاسخ به این سؤال که کدام عامل باعث به وجود آمدن دیگری می‌شود این است که هر دو عامل می‌توانند روی هم اثر داشته باشند و ارتباط متقابل بین آنها برقرار باشد به طوری که سطح معینی از رفاه اقتصادی شرط لازم برای شادی است اما شواهد فراوانی نشان می‌دهد که رفاه اقتصادی بالاتر برای شادی و رضایت ذهنی بیشتر کافی نیست. از طرف دیگر خود شادی و رضایت ذهنی می‌تواند برای تقویت رشد نیز مؤثر باشد. به نظر می‌رسد بعد از دستیابی به یک سطح استاندارد معین از زندگی و رفاه، رابطه بین شادی و رشد شکسته می‌شود و از طرف دیگر شادی بسیار پیچیده‌تر از آن است که محدود به مطلوبیت باشد (کنی، ۱۹۹۹: ۳).

می‌توان گفت شادی از چند طریق بر رشد اقتصادی اثرگذار است. ابتدا می‌توان گفت شادی از طریق کاهش استرس و بهبود وضعیت سلامت جسمی و روحی افراد موجب ارتقای سطح بهره‌وری نیروی کار می‌شود و با افزایش سطح بهره‌وری نیروی کار تولید نیز افزایش یافته و در نتیجه رشد اقتصادی

2. Oswald et al. (2015)

3. Oswald (1997)

1. Smith & Clark (1982)

۱۳۰) و در نتیجه افزایش امنیت به مردم احساس آسایش خاطر بیشتری دهد و زمینه لازم برای ارتقای شادی در جامعه را فراهم نماید. به عبارت دیگر در صورت نبود امنیت در جامعه نمی‌توان شاهد افزایش شادی جامعه بود و بالعکس عدم امنیت خود یکی از دغدغه‌های ذهنی در برخی جوامع در حال توسعه است که سطح شادی در جامعه را نیز کاهش می‌دهد (کوونیل^۲، ۲۰۰۲: ۱۶۸).

افزایش درآمدهای نفتی و توزیع آن از طریق اعطای یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم نیز می‌تواند تا حدودی از طریق کاهش فقر مطلق موجب افزایش شادی بخصوص در اقشار ضعیف جامعه شود. اعطای بیمه بیکاری و حقوق بازنشستگی مناسب می‌تواند آرامش خاطر بیشتری به جامعه داده و دست‌کم از کاهش شادی جلوگیری نماید. همچنین درآمدهای نفتی، توان مداخله دولت در بازارها را به منظور ثبات قیمت‌ها افزایش داده و از طریق با ثبات نگه داشتن نرخ ارز و قیمت کالاهای قابل تجارت و سیاست تنظیم بازار می‌تواند تا حدی موجب رضایت خاطر در کوتاه‌مدت شود (صدقت کالمرزی، ۱۳۹۸: ۳۰).

افزایش درآمدهای نفتی می‌تواند موجب افزایش توان دولت برای افزایش حقوق و دستمزد کارکنان دولت و بازنشسته‌های دولتی شود و یک رضایت نسبی دست‌کم در کوتاه‌مدت برای آنها فراهم کند. این افزایش درآمد می‌تواند موجب افزایش میزان کمک‌های مردم به مؤسسات خیریه و نهادهای حمایتی نیز شده و لذا تأثیراتی مثبت بر شادی در جامعه بر جای بگذارد (صدقت کالمرزی، ۱۳۹۸: ۳۲).

در صورتی که درآمدهای نفتی به توسعه کسب و کارهای جدید، حمایت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، حمایت از نخبگان علمی جامعه در راستای تجاری سازی ایده‌ها و ارتقای کیفیت سرمایه انسانی تخصیص یابد می‌تواند موجب ماندگاری سرمایه‌های مادی و انسانی در جامعه شود و لذا از فرار سرمایه‌داران و نخبگان جلوگیری نماید. همچنین این درآمدها می‌تواند در راستای تقویت و ارتقای فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نهادهای مدنی خرج شود و لذا از طریق افزایش آگاهی آحاد جامعه و تقویت اعتماد، مشارکت و همدلی سرمایه اجتماعی را تقویت نماید و تقویت سرمایه اجتماعی موجب احساس رضایت اجتماعی مردم شود و در نتیجه سطح شادی در جامعه را ارتقا دهد.

افزایش یافته و در نتیجه تولید و رشد اقتصادی تقویت می‌شود (صدقت کالمرزی، ۱۳۹۸: ۵۱).

شادی نیاز به محیط اجتماعی شاد دارد و افراد در محیط اجتماعی شاد با انگیزه بالاتری کار می‌کنند و این افزایش انگیزه می‌تواند به ارتقای سطح نوآوری و کارآفرینی منجر شود که در نتیجه موجب ارتقای سطح تولید و رشد اقتصادی شود (صدقت کالمرزی، ۱۳۹۸: ۵۲).

۲-۳- ادبیات موضوع ارتباط رانت نفت بر شادی

درآمدهای نفتی و رانت حاصل از آن به طرق مختلفی می‌تواند بر شادی جامعه اثرگذار باشد. این اثرات هم می‌تواند مثبت باشد و هم ممکن است منفی باشد لذا نفت اثرات متضادی بر شادی در جامعه می‌تواند داشته باشد. همین اثر متضاد و متفاوت می‌تواند نشان دهنده غیرخطی بودن اثرگذاری رانت نفت بر شادی باشد لذا در ادامه اثرات مثبت و منفی احتمالی آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۳-۱- اثرات مثبت احتمالی رانت نفت بر شادی

درآمدهای نفت از طریق فراهم نمودن منابع درآمدی قابل توجه برای تأمین بودجه دولت می‌تواند از یک طرف بار مالیاتی بر دوش مردم را کاهش دهد و لذا درآمد قابل تصرف مردم را بیشتر کند و در نتیجه افزایش درآمد مردم از طریق مخارج تفریحی، مسافرتی، سرگرمی و خرید انواع کالاها و خدمات موجبات آسایش بیشتر مردم را فراهم نماید. همچنین وجود درآمد نفت بالا می‌تواند این امکان را به دولت دهد که مخارج آموزشی، بهداشتی، تفریحی، ورزشی و زیرساختی خود را افزایش دهد و از این طریق منجر به ارتقای سطح شادی در جامعه شود. در این میان برخی کشورهای نفتی از طریق ساخت امکانات مدرن ورزشی و تفریحی و برگزاری مسابقات بین‌المللی ورزشی چنین هدفی را دنبال نموده‌اند. کشور امارات متحده عربی مثالی مناسب از این دست کشورهاست. تأسیس وزارت خانه شادی و بردباری^۱ در کشور امارات نیز گویای اهتمام این کشور نفتی به بحث افزایش شادی است (شمسی و همکاران^۲، ۲۰۱۸: ۱۰).

درآمدهای نفتی نیز از یک سو می‌تواند موجب تحکیم امنیت در کشورهای نفتی شود (زمان‌زاده و الحسینی، ۱۳۹۱:

3. Ouweneel (2002)

1. Ministry of Happiness and Tolerance

2. Shamsi et al. (2018)

۲-۳-۲- اثرات منفی احتمالی رانت نفت بر شادی

رانت نفت علاوه بر آنکه می‌تواند در برخی کشورها از طریق تقویت نظم دسترسی محدود و توزیع گزینشی رانت نفت میان صاحبان قدرت و انگیزه حفظ نظم موجود توسط صاحبان قدرت در جامعه، به تحکیم امنیت کمک نماید اما از سوی دیگر می‌تواند به دلیل نابرابری توزیع رانت نفت در جامعه بین گروه‌های مرجع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انگیزه‌های خشونت، اعتراض و شورش را در میان گروه‌های غیربرخوردار از رانت نفت با انگیزه تغییر قاعده بازی توزیع گزینشی رانت افزایش داده و در نهایت به گسترش خشونت و ناامنی نیز منجر شود (زمان‌زاده و الحسینی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). به عبارت دیگر اگر توزیع رانت نفت گزینشی باشد و موجب تشدید احساس نارضایتی مردم بی‌بهره از رانت شود می‌تواند موجب خشونت در جامعه شود و این خشونت می‌تواند خود را به طرق گوناگون همچون تظاهرات، اعتراضات صنفی و مردمی و در مرحله حادتر یک انقلاب تمام عیار نشان دهد که موجب کاهش شادی آحاد جامعه می‌شود. به عنوان مثال لیبی اگرچه با رانت حاصل از نفت توانسته بود امنیت عمومی مردم را برای دهه‌ها تأمین نماید اما توزیع گزینشی رانت نفت توسط حاکمان پیشین و تشدید و انباشت نارضایتی عمومی در نهایت موجب انقلابی ویرانگر در این کشور شد به طوری که ناامنی و گسترش خشونت‌ها پس از گذشت چندین سال از انقلاب در این کشور همچنان ادامه دارد لذا رانت نفت پتانسیل ایجاد خشونت و کاهش شدید سطح شادی در جامعه را نیز دارد. به عبارت دیگر از منظر دیدگاه نهادگرایی جدید، اگر رانت نفت موجب تقویت نظم دسترسی محدود^۱ شود، پتانسیل عظیمی از خشونت در جامعه را با خود به همراه دارد (نورث^۲ و همکاران، ۲۰۰۷: ۲).

رانت نفتی از طریق فراهم نمودن منبع درآمد کافی برای دولت موجب احساس عدم نیاز دولت به درآمدهای مالیاتی می‌شود و در نتیجه به تضعیف نظام مالیات ستانی منجر شده و عدم شفافیت در اقتصاد را افزایش می‌دهد. تضعیف نظام

مالیاتی به عنوان حلقه واسطه اقتصاد دولتی و مردمی، موجب کم‌رنگ شدن ارتباط سیاست‌گذاری اقتصادی با تقویت اقتصاد مردمی شده و از طریق اثرات منفی ناشی از سیاست‌گذاری ضد توسعه‌ای و ضد تولیدی، در نهایت کاهش بلندمدت رشد اقتصادی را به دنبال دارد و در پی این کاهش رشد اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری موجب ایجاد نارضایتی عمومی شده و سطح شادی مردم را کاهش می‌دهد وجود منابع عظیم رانت نفت، دولت را به کانونی برای خلق و توزیع رانت تبدیل می‌کند و از طریق تشدید فعالیت‌های رانتجویی و گسترش فساد اقتصادی به اعتماد مردم به دولت آسیب وارد می‌کند و لذا سطح شادی مردم را می‌تواند کاهش دهد.

گسترش درآمدهای نفتی و افزایش مخارج دولتی به بزرگ‌تر شدن اندازه دولت در اقتصاد منجر می‌شود و لذا سهم نسبی بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی را از طریق اثر برون‌رانی کاهش می‌دهد و لذا موجب تضعیف بخش خصوصی در اقتصاد شده و در بلندمدت اثراتی منفی بر تولید و اشتغال برجای می‌گذارد. گسترش اندازه دولت علاوه بر بالا بردن مخارج مصرفی دولت عمدتاً به تشدید ناکارآمدی اقتصادی منجر می‌شود و همچنین از طریق گسترش بروکراسی ناکارآمد به مانعی بر سر راه اقتصاد مردمی تبدیل می‌شود. دولت بزرگ در برخی کشورها خود به بنگاه داری و فعالیت در بازار می‌پردازد و از طریق ایجاد فضای انحصاری برای تولیدکنندگان خود موجب زیان رفاهی مصرف کنندگان می‌شود.

همچنین هنگام شوک‌های منفی نفت، احتمال کسری بودجه در کشورهای وابسته به نفت قوت می‌گیرد و نحوه تأمین این کسری خود آثار عمدتاً مخربی بر اقتصاد برجای می‌گذارد. به عنوان مثال تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی موجب تورم در این کشورها شده و این تورم به مثابه یک مالیات پنهان - (مالیات تورمی) - از طریق کاهش قدرت خرید بخش عظیمی از جامعه و در عین حال از طریق افزایش نابرابری توزیع درآمد موجب کاهش سطح شادی در جامعه می‌شود (نادمی^۳، ۲۰۱۸: ۱۱۶۰).

۲-۴- پیشینه پژوهش

استیونسون و وولفرز^۴ ارزیابی مجددی در خصوص پارادوکس

۱. نظم دسترسی محدود (Limited Order Access) اصطلاحی است که نهادگرایان جدید برای تبیین علل توسعه نیافتگی کشورها ارائه داده‌اند. این نوع نظم اقتصادی سیاسی از طریق محدود کردن رقابت در اقتصاد و توزیع گزینشی رانت ناشی از آن در بین صاحبان قدرت، انگیزه کنترل خشونت در میان گروه‌های قدرتمند جامعه را افزایش داده و لذا از این طریق به حفظ نظم و امنیت در جامعه منجر شده اما بهای آن ناکارآمدی اقتصادی و سیاسی است (برگرفته از نورث و همکاران، ۲۰۰۷).

2. North et al. (2007)

3. Nademi (2018)

4. Stevenson & Wolfers (2008)

استرلین در مطالعه‌ای برای ۱۷ کشور توسعه یافته، ۹ کشور در حال توسعه و ۱۱ کشور در حال گذار و حتی برای ۳۷ کشور به طور همزمان، هیچ گونه رابطه مثبت معنادار بلندمدتی بین رشد و شادی پیدا نکرد. بنابراین مشخص می‌شود که روابط مقطعی راهنمای خوبی برای تجربیات تاریخی و سری زمانی نیستند (استرلین، ۲۰۱۳: ۱).

علی و همکاران^۴، در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط شادی و نفرین منابع در کشورهای غنی از منابع طبیعی در بازه زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. این مطالعه با بکارگیری روش پانل و بررسی طیف وسیعی از کشورهای متکی به منابع طبیعی از جمله کشورهای صادرکننده نفت نشان داده است که تأثیر رانت نفت بر شادی در کشورهای نفتی منفی بوده است و در واقع رانت نفت موجب کاهش سطح شادی در کشورهای نفتی شده است (علی و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۳۷).

با توجه به اینکه در مطالعات پیشین کمتر به بررسی اثرات متقابل رشد و شادی پرداخته شده است و همچنین در این مطالعه سعی شده است هر دو پدیده نفرین منابع و پارادوکس استرلین در کشورهای صادرکننده نفت اوپک نیز آزمون شود لذا مطالعه حاضر نسبت به مطالعات پیشین دارای نوآوری است.

۳- روش شناسی

به منظور بررسی اثرات متقابل شادی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک^۵ با استفاده از ادبیات نظری و مطالعات پیشین مدل زیر تصریح شده است:

$$\begin{aligned} Growth_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 Oil_{it} + \alpha_2 Oil_{it}^2 \\ & + \alpha_3 GP_{it} + \alpha_4 Hap_{it-1} \\ & + \alpha_5 Hum_{it} + \alpha_6 GK_{it} \\ & + \alpha_7 Growth_{it-1} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

$$\begin{aligned} Hap_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Oil_{it} + \beta_2 Oil_{it}^2 + \\ & \beta_3 Inf_{it} + \beta_4 Growth_{it-1} + \beta_5 Un_{it} + \\ & \beta_6 GE_{it} + \beta_7 Hap_{it-1} + \omega_{it} \end{aligned} \quad (2)$$

در مدل (۱) یعنی مدل رشد، $Growth_{it}$ و $Growth_{it-1}$ به ترتیب رشد اقتصادی و وقفه اول رشد اقتصادی را نشان

استرلین انجام دادند و در بررسی مجدد خود از پارادوکس استرلین گروه‌های خیلی وسیع تری از کشورها را بررسی کرده و رابطه بین سطح متوسط شادی و تولید ناخالص داخلی سرانه بین کشورها را بررسی کردند و دریافتند پیوند مثبتی بین رشد و شادی برقرار است و هیچ مدرکی از یک نقطه اشباع که نشان دهد فراتر از آن کشورهای ثروتمند افزایش بیشتری در شادی خود نداشته باشند، پیدا نکردند. از طرف دیگر در این پژوهش، نقش واضح و روشنی را برای درآمد مطلق نسبت به درآمد نسبی قائل شده‌اند (استیونسون و ولفرز، ۲۰۰۸: ۱۰۱).

گراهام^۱ خاطر نشان کرد که یک تعبیر معمول از پارادوکس استرلین این است که گویی انسانها روی یک تردمیل قرار می‌گیرند، به این شکل که آرزوها با افزایش درآمد افزایش یافته و بعد از برآورده شدن نیازهای اساسی، سطح نسبی شادی اهمیت می‌یابد. این فرضیه به شکل قوی بیان می‌کند که مردم و سیاست‌های عمومی قادر به دستیابی به پیامدهای ماندگار در سطح شادی مردم نیست چرا که شادی فردی به طور غیرقابل وصفی به نقطه شادی فرد بازگشت می‌کند (دویدن روی تردمیل که فرد جلو نمیرد بلکه در جا می‌زند) (گراهام، ۲۰۰۴: ۴۷).

دیتون^۲ بر طبق بررسی خود نشان داد که دو برابر شدن نرخ رشد اقتصادی در طی زمان شادی و رضایت از زندگی را دو برابر می‌کند (دیتون، ۲۰۰۸: ۵۳).

استرلین و آنجلسکو^۳ نشان دادند که بین بهبود شادی و نرخ رشد بلندمدت تولید ناخالص داخلی سرانه، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در مطالعه استرلین و آنجلسکو کار بیشتری که در مورد شادی صورت گرفته، مقایسه شادی و درآمد در داخل و بین کشورها بر اساس مقایسه مقطعی و بین کشوری است (استرلین و آنجلسکو، ۲۰۰۹: ۱).

استرلین نشان می‌دهد روندهای بلند مدت شادی و درآمد ارتباطی باهم ندارند و نوسانات کوتاه مدت شادی و درآمد به طور مثبت با هم ارتباط دارند. شواهدی برای این یافته در داده‌های سری زمانی برای کشورهای توسعه یافته، در حال گذار و کشورهای کمتر توسعه یافته وجود دارد چه تحلیل‌ها به صورت جداگانه مطرح شوند و چه به صورت جمعی (استرلین، ۲۰۱۳: ۱۴).

4. Ali et al. (2020)

۵. کشورهای مورد بررسی ۱۴ کشور را شامل می‌شوند که عبارتند از: ایران، عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی، الجزایر، آنگولا، اکوادور، گینه استوایی، گابن، کویت، لیبی، نیجریه، قطر و ونزوئلا.

1. Graham (2004)
2. Deaton (2008)
3. Easterlin & Angelescu (2009)

همبستگی را با متغیر توضیحی وقفه دار داشته باشد. متغیرهای ابزاری استفاده شده عبارتند از وقفه‌های دوم و سوم رشد اقتصادی و شادی و وقفه‌های اول و دوم متغیرهای توضیحی.

۴- نتایج برآورد مدل

قبل از برآورد مدل لازم است که پایایی متغیرهای مدل بررسی شود. بدین منظور از آزمون‌های ریشه واحد لوین، لی و چو استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها به شرح جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. آزمون ریشه واحد لوین، لی و چو

نتیجه آزمون	P-Value	متغیر
پایایی	۰/۰۰	شادی
پایایی	۰/۰۰	وقفه اول شادی
پایایی	۰/۰۰	تورم
پایایی	۰/۰۰	بیکاری
پایایی	۰/۰۰	نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی
پایایی	۰/۰۰	مجذور نسبت رانت نفتی به تولید ناخالص داخلی
پایایی	۰/۰۰	رشد جمعیت
پایایی	۰/۰۰	شاخص سرمایه انسانی
پایایی	۰/۰۰	رشد موجودی سرمایه
پایایی	۰/۰۰	رشد اقتصادی
پایایی	۰/۰۰	وقفه اول رشد اقتصادی
پایایی	۰/۰۳	کارایی دولت

مأخذ: محاسبات تحقیق

همان‌طور که نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد کلیه متغیرها در سطح معنای ۵٪ درصد پایا هستند لذا می‌توان مدل پژوهش را بدون گرفتاری در دام رگرسیون جعلی برآورد نمود. در ادامه به برآورد مدل پانل معادلات همزمان با روش گشتاوری تعمیم یافته می‌پردازیم و نتایج برآورد این مدل در جدول (۲) ارائه شده است.

نتایج برآورد مدل را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

الف- تأثیر رانت نفت بر شادی و رشد اقتصادی به‌صورت آستانه‌ای بوده است. به عبارت دیگر در مدل رشد اقتصادی، تا قبل از آستانه ۲۶/۲۵٪ از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، رانت نفت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی

می‌دهد. Oil_{it}^2 و Oil_{it} نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی و مجذور آن است. GP_{it} رشد جمعیت، Hum_{it} شاخص سرمایه انسانی یا نرخ ثبت نام متوسطه و GK_{it} رشد موجودی سرمایه را نشان می‌دهد.^۱

در مدل (۲) یا مدل شادی، Hap_{it} معرف شاخص شادی و Hap_{it-1} وقفه اول متغیر شادی را نشان می‌دهد که به منظور بررسی پویایی شاخص شادی در مدل لحاظ شده است زیرا شادی امسال می‌تواند تابعی از شادی سال گذشته نیز باشد. در مطالعه علی و همکاران (۲۰۲۰) نیز شادی به‌صورت پویا مدلسازی شده است و لذا در نظر گرفتن مدل پویا برای شادی از پشتوانه نظری نیز برخوردار است. اطلاعات شاخص شادی در این پژوهش از «گزارش جهانی شادمانی ۲» دریافت شده است که نتیجه پرسشنامه‌های گسترده‌ای است که در ۱۱۶ کشور در طول چند دهه گذشته تکمیل شده است.

Inf_{it} نرخ تورم بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده، Un_{it} نرخ بیکاری و GE_{it} نیز معرف کارایی دولت است. ε_{it} و ω_{it} اجزای خطای الگوی معادلات همزمان هستند. با توجه به اثرات غیرخطی رانت نفتی بر رشد اقتصادی و شاخص شادی لذا متغیر رانت نفت در مدل به‌صورت درجه ۲ تصریح شده است. بازه زمانی برآورد مدل نیز شامل سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۵ می‌شود.

در صورتی که در مدل پانل مورد تحلیل متغیر یا متغیرهای توضیحی در برگیرنده‌ی یک یا چند وقفه از متغیر وابسته باشند، در آن صورت آن راه، مدل پانل پویا می‌گویند. این مدل‌ها بیانگر رگرسیون متغیر وابسته بر حسب وقفه زمانی خودش و سایر متغیرهای توضیحی می‌باشد. در مدل پانل پویا، به علت امکان وجود درون‌زایی یا همان همبستگی وقفه‌ی متغیر وابسته در سمت راست با جزء خطا و وجود متغیر توضیحی تصادفی، تخمین زنده‌ی حداقل مربعات تورش‌دار و ناسازگار می‌شود. همچنین به علت تأثیرات تصادفی، تخمین‌زن‌های حداقل مربعات تعمیم‌یافته در این روش تورش‌دار خواهند بود. یکی از راه‌حل‌های متداول برای حل چنین مشکلی استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته یا GMM است. برای برآورد مدل پویا با روش GMM، لازم است از متغیرهای ابزاری^۲ استفاده کنیم که با جزء اخلاص همبسته نباشد و در عین حال بیشترین

۱. متغیرها شکل لگاریتمی نیستند.

2. World Database of Happiness, 'Distributional Findings in Nations' (Veenhoven 2004)

3. Instrumental Variables

جدول ۲. نتایج برآورد مدل پانل معادلات همزمان با روش GMM

مدل رشد اقتصادی		
P-Value	ضریب	متغیر
۰/۰۸	-۳/۴۶	عرض از مبدأ
۰/۰۰	۰/۲۱	رانت نفت
۰/۰۰	-۰/۰۰۴	مجذور رانت نفت
۰/۰۰	۰/۷۱	رشد جمعیت
۰/۵۷	۰/۱۳	وقفه اول شادی
۰/۰۹	۰/۰۱۲	شاخص سرمایه انسانی
۰/۰۰	۰/۱۲	وقفه اول رشد اقتصادی
۰/۰۰	۰/۳۲	رشد موجودی سرمایه
۰/۳۲		ضریب تعیین
مدل شادی		
۰/۰۰	۳/۲۸	عرض از مبدأ
۰/۰۱	۰/۰۱۴	رانت نفت
۰/۰۰	-۰/۰۰۰۲۶	مجذور رانت نفت
۰/۰۰	-۰/۰۱۵	نرخ تورم
۰/۰۰	-۰/۰۴۵	نرخ بیکاری
۰/۰۰	-۰/۰۱۷	وقفه اول رشد اقتصادی
۰/۰۰	۰/۱۵	کارایی دولت
۰/۰۰	۰/۵۰	وقفه اول شادی
۰/۷۹		ضریب تعیین
۰/۵۱		آماره سارگان J (P-Value)
۰/۹۳		آزمون خودهیستگي Portmanteau (P-Value)

مأخذ: محاسبات تحقیق

ج- در مدل رشد اقتصادی، وقفه اول شادی تأثیر مثبت اما غیرمعنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است. به عبارت دیگر در کشورهای صادرکننده نفت مورد بررسی عوامل مهم دیگری بجز شادی تعیین کننده رشد اقتصادی هستند. در مقابل در مدل شادی، وقفه اول رشد اقتصادی تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادی داشته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که عوائد حاصل از رشد اقتصادی در جوامع نفتی مورد بررسی به‌صورت یکسانی بین همه جامعه توزیع نشده است و در واقع گروه‌های صاحب رانت و قدرتمند از منافع رشد اقتصادی به زیان بخش اعظمی از جامعه بهره‌مند شده‌اند که این امر نه تنها تأثیر مثبتی بر شادی نداشته است بلکه اثری منفی بر شادی نیز داشته است. در واقع هنگامیکه نابرابری توزیع درآمد در جامعه‌ای زیاد باشد، دهک‌های کمی از عوائد رشد اقتصادی نابرابر بهره‌مند

داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی برجای گذاشته است. همچنین در مدل شادی، تا قبل از آستانه ۲۶/۹۲٪ از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، رانت نفت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر شادی داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادی برجای گذاشته است که این یافته تأییدی بر وجود پارادوکس استرلین در کشورهای نفتی است. نکته جالب توجه این است که آستانه رانت نفت در هر دو مدل رشد اقتصادی و شادی تقریباً یکسان و در حدود ۲۶٪ است. این اثر را می‌توان اینگونه تحلیل نمود که در رژیم رانت نفت پایین، درآمدهای نفتی از مسیر افزایش مخارج بهداشتی، آموزشی، زیرساخت‌های راهسازی، انرژی و رسانی به مناطق مختلف کشور، ساخت کالاهای عمومی مانند ورزشگاه‌ها، مراکز تفریحی و سرگرمی، گسترش آموزش عالی و دانشگاه‌ها و افزایش کسب و کار و اشتغال ناشی از تزریق درآمدهای نفتی به افزایش رشد اقتصادی و شادی جامعه منجر شده است اما پس از شدت گرفتن رانت نفتی در این جوامع و سوق پیدا کردن رانت نفتی به سمت مخارج غیرتوسعه‌ای همانند مخارج نظامی، اعطای بارانه مستقیم به‌جای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، تقویت فعالیت‌های رانت‌جویی در اقتصاد، تقویت نظم دسترسی محدود، تضعیف حکمرانی خوب و کاهش پاسخگویی دولت به مردم و در نتیجه تضعیف دموکراسی، افزایش فساد اقتصادی، تضعیف جامعه مدنی به بهای بزرگ شدن اندازه دولت، تضعیف فعالیت‌های بخش خصوصی و شکل‌گیری بخش شبه دولتی و کنار زدن بخش مردمی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، استقلال مالی دولت از مردم و تضعیف سیستم مالیات ستانی به عنوان حلقه ارتباط بخش مردمی و دولتی و در نتیجه کم توجهی دولت به تقویت تولید ملی، رشد اقتصادی و شادی کاهش یافته است.

ب- در مدل رشد اقتصادی، متغیرهای رشد جمعیت، شاخص سرمایه انسانی، رشد موجودی سرمایه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته‌اند که نتیجه‌ای قابل انتظار و سازگار با تئوری‌های رشد اقتصادی محسوب می‌شود. همچنین وقفه اول رشد اقتصادی نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است که حاکی از پویایی مدل رشد اقتصادی دارد.

می‌شوند و این مسئله حتی به تشدید نابرابری توزیع درآمد در طول زمان نیز منجر می‌شود و در نتیجه سطح شادی را در اکثریت جامعه کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت رشد اقتصادی در کشورهای نفتی مورد بررسی، شادی افزا نیست و بالعکس این رشد کاهنده شادی در جامعه نیز بوده است. از طرف دیگر می‌توان گفت که رشد اقتصادی در این کشورها عمدتاً به دلیل فروش نفت بیشتر بوده است که این درآمد اضافی از طریق دولت وارد اقتصاد شده است و نحوه تخصیص رانت نفت توسط دولت تعیین کننده افزایش یا کاهش سطح شادی در جامعه است.

د- نرخ تورم و بیکاری تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادی در کشورهای اوپک داشته است. به عبارت دیگر با افزایش بیکاری در جوامع و در نتیجه گسترش فقر مطلق در جامعه و همچنین افزایش جرم و جنایت، سطح شادی در این جوامع کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش نرخ تورم به دلیل کاهش قدرت خرید مردم، افزایش نابرابری توزیع درآمد، ایجاد نااطمینانی در فضای اقتصادی و همچنین تضعیف توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی در مقایسه با رقبای خارجی و در نتیجه تضعیف تولید ملی، سطح شادی کاهش می‌یابد.

و- افزایش شاخص کارایی دولت و وقفه اول شادی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شادی داشته است. به عبارت دیگر هر چقدر دولت کارآمدتر باشد و رانت نفت را به شکل بهینه و کارآمد در جامعه هزینه نماید آنگاه سطح شادی در جامعه نیز افزایش می‌یابد. همچنین تأثیر مثبت وقفه اول شادی بر شادی نشان‌دهنده پویایی مدل شادی بوده است.

ه- آزمون سارگان برای اعتبار متغیرهای ابزارهای نشان‌دهنده عدم ارتباط متغیرهای ابزاری با جزء اخلاص است لذا متغیرهای ابزاری استفاده شده در مدل معتبر بوده است. همچنین آزمون پورتمانتو^۱ نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی در جزء خطای مدل است. نهایتاً ضریب تعیین مدل رشد اقتصادی و شادی به ترتیب ۳۲٪ و ۷۹٪ بدست آمده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

به منظور بررسی اثرات متقابل شادی و رشد اقتصادی و تأثیر رانت نفت بر دو متغیر مذکور با استفاده از ادبیات نظری و مطالعات پیشین، مدل معادلات همزمان پانل پویا برای کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک در بازه زمانی ۲۰۱۶-

۲۰۰۵ برآورد شده است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که در مدل رشد اقتصادی، وقفه اول شادی تأثیر مثبت اما غیرمعنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است. به عبارت دیگر در کشورهای صادرکننده نفت مورد بررسی عوامل مهم دیگری بجز شادی تعیین کننده رشد اقتصادی هستند. در مقابل در مدل شادی، وقفه اول رشد اقتصادی تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادی داشته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که عوائد حاصل از رشد اقتصادی در جوامع نفتی مورد بررسی به‌صورت یکسانی بین همه جامعه توزیع نشده است بنابراین می‌توان گفت رشد اقتصادی در کشورهای نفتی مورد بررسی، شادی افزا نیست و بالعکس این رشد کاهنده شادی در جامعه نیز بوده است. از طرف دیگر می‌توان گفت که رشد اقتصادی در این کشورها عمدتاً به دلیل فروش نفت بیشتر بوده است که این درآمد اضافی از طریق دولت وارد اقتصاد شده است و نحوه تخصیص رانت نفت توسط دولت تعیین کننده افزایش یا کاهش سطح شادی در جامعه است. همچنین نتایج این مطالعه نشان داده است که رانت نفت تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای بر دو متغیر رشد اقتصادی و شادی داشته است. به عبارت دیگر رانت نفت تا قبل از آستانه ۲۶/۲۵٪ از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، اثری مثبت بر رشد اقتصادی داشته اما پس از عبور از حد آستانه مذکور تأثیری منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته است که به نوعی حاکی از پدیده نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت اوپک است. نتیجه مشابهی نیز برای اثر رانت نفت بر شادی حاصل شده است به طوری که تا قبل از آستانه ۲۶/۹۲٪ از نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی، رانت نفت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر شادی داشته است اما پس از عبور از این حد آستانه، رانت نفت تأثیری منفی و معنی‌دار بر شادی برجای گذاشته است که این یافته تأییدی بر وجود پارادوکس استرلین در کشورهای نفتی است لذا یافته‌های مقاله موجود تأیید کننده مطالعات استرلین (۱۹۷۴، ۱۹۹۵، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳) است.

برگرفته از نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران در راستای کاهش سهم رانت نفت در تولید ناخالص داخلی برای تقویت همزمان شادی و رشد اقتصادی تلاش نمایند. همچنین با توجه به تأثیر مثبت کارایی دولت بر شادی، پیشنهاد می‌شود مخارج دولت به‌صورتی کارآمد در جهت تقویت شادی و رشد اقتصادی در جامعه هزینه شود. در این راستا کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد در جهت افزایش کارایی عملکرد دولت پیشنهاد می‌شود.

منابع

- مارکوف سوئیچینگ آستانه‌ای و پانل پویای آستانه‌ای گشتاوری تعمیم یافته". رساله دکتری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
- صداقت کالمرزی، هانیه؛ فتاحی، شهرام و سهیلی، کیومرث (۱۳۹۸). "مطالعه اثرات رانت نفت بر نابرابری شادی در کشورهای منتخب صادرکننده نفت". *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۹، شماره ۷۵، ۸۵-۵۷.
- فتاحی، شهرام و محمدی‌راد، منصور (۱۳۹۲). "مقدمه‌ای بر اقتصاد شادی". چاپ اول. انتشارات سخنوران. تهران، ایران.
- مهرآرا، محسن و مکی‌نیری، مجید (۱۳۸۸). "بررسی رابطه غیرخطی میان درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی با استفاده از روش حد آستانه‌ای مورد ایران". *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، دوره ۶ شماره ۲۲، ۵۲-۲۹.
- Ali, S., Murshed, S. M. & Papyrakis, E. (2020). "Happiness and the Resource Curse". *Journal of Happiness Studies*, 21(2), 437-464.
- Clark, A. E., Frijters, P. & Shields, M. A. (2008). "Relative Income, Happiness, and Utility: An Explanation for the Easterlin Paradox and other Puzzles". *Journal of Economic Literature*, 46(1), 95-144.
- Deaton, A. & Stone, A. A. (2013). "Two Happiness Puzzles". *American Economic Review*, 103(3), 591-597.
- Deaton, A. (2008). "Income, Health, and Well-Being Around the World: Evidence from the Gallup World Poll". *Journal of Economic Perspectives*, 22(2), 53-72.
- Easterlin, R. A., & Angelescu, L. (2009). "Happiness and Growth the World Over: Time Series Evidence on the Happiness-Income Paradox". (No. 4060). *IZA Discussion Papers*.
- Easterlin, R. A. (1974). "Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence". In *Nations and Households in Economic Growth*. Academic Press, 89-125. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-205050-3.50008-7>.
- زمان‌زاده، حمید و الحسینی، صادق (۱۳۹۱). "اقتصاد ایران در تنگنای توسعه". چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ایران.
- چراغی، بابک؛ ترابی، تقی؛ محمدی؛ تیمور و تقوی، مهدی (۱۳۹۸). "بررسی عوامل عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار از منظر سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳۴، ۹۸-۷۷.
- خانزادی، آزاد و حیدریان، مریم (۱۳۹۸). "بررسی و مقایسه آستانه‌های رشد اقتصادی در قانون اوکان و وردورن؛ کاربردی از مدل PSTR برای استان‌های ایران (۱۳۹۸)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳۵، ۱۲۰-۱۰۳.
- صداقت کالمرزی، هانیه (۱۳۹۸). "بازنگری فرضیه نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت: کاربردی از مدل‌های Easterlin, R. A. (1995). "Will Raising the Incomes of All Increase the Happiness of all?". *Journal of Economic Behavior & Organization*, 27(1), 35-47.
- Easterlin, R. A. (2012). "When Growth Outpaces Happiness". *The New York Times*, 27.
- Easterlin, R. A. (2013). "Happiness, Growth, and Public Policy". *Economic Inquiry*, 51(1), 1-15.
- Graham, C. (2004). "Can Happiness Research Contribute to Development Economics?". *Washington DC: The Brookings Institution*.
- Kenny, C. (1999). "Does Growth Cause Happiness, or Does Happiness Cause Growth?". *Kyklos*, 52(1), 3-25.
- Nademi, Y. (2018). "The Resource Curse and Income Inequality in Iran". *Quality & Quantity*, 52(3), 1159-1172.
- North, D. C., Wallis, J. J., Webb, S. B. & Weingast, B. R. (2007). "Limited Access Orders in the Developing World: A New Approach to the Problems of Development". *The World Bank*.
- Oishi, S., Kesebir, S. & Diener, E. (2011). "Income Inequality and Happiness".

- Psychological Science*, 22(9), 1095-1100.
- Oswald, A. J. (1997). "Happiness and Economic Performance". *The Economic Journal*, 107(445), 1815-1831.
- Oswald, A. J., Proto, E. & Sgroi, D. (2015). "Happiness and Productivity". *Journal of Labor Economics*, 33(4), 789-822.
- Ouweneel, P. (2002). "Social Security and Well-Being of the Unemployed in 42 Nations". *Journal of Happiness Studies*, 3(2), 167-192.
- Schwartz, B., Ward, A., Monterosso, J., Lyubomirsky, S., White, K. & Lehman, D. R. (2002). "Maximizing Versus Satisficing: Happiness is a Matter of Choice". *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(5), 1178-1197.
- Shamsi, R. S. H. A., Ameen, A. A., Isaac, O., Al-Shibami, A. H. & Khalifa, G. S. (2018). "The Impact of Innovation and Smart Government on Happiness: Proposing Conceptual Framework". *International Journal of Management and Human Science*, 2(2), 10-26.
- Smith, T. R. & Clark, W. A. (1982). "Housing Market Search Behavior and Expected Utility Theory: 1. Measuring Preferences for Housing". *Environment and Planning A*, 14(5), 681-698.
- Stevenson, B. & Wolfers, J. (2008). "Economic Growth and Subjective Well-Being: Reassessing the Easterlin Paradox (No. w14282)". *National Bureau of Economic Research*

